



تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده (از منظر کارشناسان و مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده شهر زنجان)

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران
استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

رقیه عباسی ^{ID}

دکتر ربابه پورجلی ^{ID*}

دکتر خدیجه ذوالقدر ^{ID}

Pourjabali@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۱ | پیاپی ۱۰ | ۴۲۵-۴۰۲
بهار ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(عباسی، پورجلی، ذوالقدر، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

عباسی، رقیه. پورجلی، ربابه. و ذوالقدر، خدیجه. (۱۴۰۱). تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده (از منظر کارشناسان و مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده شهر زنجان). فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳ (۱ پیاپی ۱۰): ۴۲۵-۴۰۲.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده از منظر کارشناسان و مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده شهرستان زنجان بود. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر با روش ترکیبی بود که از طریق پرسشنامه با تکنیک دلفی و مصاحبه عمیق با نمونه‌گیری نیمه ساختاریافته و روش پیمایشی با نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده و نیز با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفت. **یافته‌ها:** نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که: از نظر کارشناسان به ترتیب عوامل عاطفی، عوامل اعتقادی، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و همچنین به ترتیب موانع اعتقادی، موانع عاطفی، موانع اجتماعی، موانع اقتصادی و موانع فرهنگی در تحکیم بنیان خانواده مؤثرند. همچنین بین جنس، نحوه انتخاب همسر، رضایت زوجین، تشریک مساعی در امور خانواده، همبستگی اعضای خانواده، میزان اعتماد بین اعضای خانواده و میزان مهارت‌های زندگی در خانواده و تحکیم بنیان خانواده رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** نظر به اینکه خانواده یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه اجتماعی ایران محسوب می‌شود، در چند دهه اخیر دستخوش چالش‌ها و تحولات مختلفی شده است که آسیب‌های جدیدی را به همراه دارند و بنیان خانواده را با بحران مواجه می‌سازند. تلاش برای استحکام خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل در جهان در حال تغییر می‌باشد. تعادل و استحکام خانواده مستلزم آن است که اعضای تشکیل‌دهنده آن نقش‌ها، وظایف و کارکردهای خود را به طور صحیح و کامل انجام دهند و لازم است سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسبی برای تحکیم بنیان خانواده‌ها تدوین و اجرا گردد.

کلیدواژه‌ها: تحکیم بنیان خانواده، رضایت زوجین، تشریک مساعی در امور خانواده، اعتماد به خانواده، همبستگی اعضای خانواده، مهارت‌های زندگی

مقدمه

مهم‌ترین کانون بشری و عنصر اساسی در تشکیل، پیشرفت و موفقیت یک جامعه و ملت، نهاد خانواده است و سعادت هر جامعه‌ای نیز منوط به خوشبختی خانواده‌های آن جامعه است. خانواده یگانه سازمان دائمی و فراگیر اجتماعی است که از دیرباز در فراز و نشیب تاریخ وجود داشته است (دهخدا، ۱۳۸۰)، فیلسوفان و محققان اجتماعی معتقدند که جامعه متشکل از خانواده‌هاست و مختصات جامعه مورد مطالعه از طریق روشن کردن روابط خانوادگی موجود در آن قابل توصیف می‌باشد. از منظر جامعه‌شناسی اساسی‌ترین نهاد اجتماعی خانواده می‌باشد که در شکل‌گیری ساختار کلان جامعه و افزایش بهره‌وری آن نقش بسزا دارد. از این رو، می‌توان گفت میان خانواده و جامعه یک رابطه دوسویه برقرار است و هر کدام بر دیگری تأثیر می‌گذارد (اعزازی، ۱۳۷۶). از آنجا که پدیده صنعتی شدن از طریق رشد دادن فردیت و وارد کردن زنان به فعالیت تولیدی و اجتماعی خارج از خانه، تقویت استقلال اقتصادی افراد و به تبع آن کاهش بردباری آنان نسبت به یکدیگر، قانونی کردن (تقریباً جهان‌شمولی) حق طلاق، شهرنشینی، خشونت خانوادگی، اشتغال زنان و پیامدهای آن، مهاجرت از روستا به شهر، تحرک اجتماعی - اقتصادی و محلی بیشتر، تغییر ارزش‌های خانواده از جمله ازدواج و فرزند آوری، تغییر از خانواده گسترده به هسته‌ای، تغییر از خانواده‌گرایی به فردگرایی و... هم در خانواده و هم در عرصه عمومی از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است و در بعضی جوامع، نه تنها کارکردهای خانواده، بلکه اصل و تمامیت آن با جایگزین‌های احتمالی و انحرافی مانند زندگی مشترک بدون ازدواج، همزیستی دو هم‌جنس، شکستن قبح مسائل، خانواده تک‌والدی و همچنین مسائلی در ارتباط با فضای مجازی و بسیاری عوامل دیگر از این قبیل، که بر وضع «نهاد خانواده» تأثیر گذاشته و آن را به چالش کشیده است، قابل ملاحظه و چشمگیر است. در واقع جامعه صنعتی ضمن حل بسیاری از تضادهای جوامع ماقبل خود موجب بروز تضادها و تنش‌های جدیدی شده و در مجموع، عملکرد آن به لحاظ تأثیرگذاری در حفظ خانواده، منفی بوده است. این تحولات از نظر نوع، عمق و تنوع با تمام تحولات پیشین، متفاوت است. تغییر و تحولاتی که به لحاظ عاطفی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی به وجود آمده، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار داد است (ریترز، ۲۰۰۴). تغییرات اجتماعی در عصر ارتباطات و اطلاعات به قدری وسیع و گسترده است که تنش‌ها و آسیب‌هایی را در جامعه به وجود آورده است که "بک" (۱۹۹۲) از آن به جامعه خطر یاد می‌کند و خانواده‌ها نیز از این خطر در امان نمانده‌اند. کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، خانواده دچار مشکل می‌شود. این مشکلات و ناراحتی‌ها ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی، طلاق نامیده می‌شود و به عنوان یک مسئله جهانی که جامعه ایران نیز مستثنی از این قضیه نیست، نشانگر میزان فروپاشی استحکام خانواده‌ها، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. بنا به گفته برخی صاحب‌نظران در فرایند بحران ارزش‌ها، جامعه بر لذت طلبی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوار می‌گردد و انسان‌ها، صرفاً به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح خویش را در نظر می‌آورند و همه چیز را در چارچوب امور مادی و حتی جسمانی خلاصه می‌کنند. در چنین شرایطی که روابط انسانی از بُعد معنوی تهی می‌شود، بسیار سست، آسیب‌پذیر و شکننده می‌گردد؛ روابط زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آمار طلاق روز به روز افزایش می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۶). «آن‌گاه که طلاق رو به فزونی می‌رود، کشمکش‌های درونی خانواده اوج می‌یابد و فرزندان در سنین نوجوانی به‌دوراز والدین در ورطه آلامی چون اعتیاد، بزهکاری و... گرفتار

می‌آیند. از این رو، باید صاحب‌نظران و همه مسئولان جامعه در جستجوی علل عمیق اجتماعی آن به اعماق جامعه رسوخ کنند» (ساروخانی، ۱۳۷۰)؛ زیرا با از هم پاشیدگی خانواده‌ها، جامعه نیز دچار از هم گسیختگی شده و امنیت و آرامش همگانی به خطر می‌افتد. با توجه به آمار بالای طلاق می‌توان با کشف و تعمیق شناخت پدیده طلاق و از هم فروپاشی خانواده‌ها، زمینه شناخت علمی و گسترده آن، به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه‌های اجتماعی مناسب در جهت سالم‌سازی محیط و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان‌بار طلاق یاری رساند. در سال ۱۳۷۲، نسبت ازدواج به طلاق ۱۵/۸ درصد بوده، در سال ۱۳۸۰، ۱۳/۸۱ درصد و در سال ۱۳۹۶، به ۳/۹۸ درصد رسیده است (سالنامه آماری سرشماری سال ۱۳۹۵). این آمار مطابق آنچه در سایت سازمان ثبت‌احوال کشور آمده، در شهرهای بزرگ همچون تهران پایین‌تر است؛ بنابراین با احتساب این نکته که به ازای هر طلاقی که به‌طور رسمی صورت می‌گیرد، چند پرونده طلاق در نوبت دادگاه وجود دارد و همچنین چند طلاق عاطفی که به دلایل مختلف مانند حفظ آبرو و فرزندان اقدام رسمی نکرده‌اند، در بین خانواده‌ها است (که نیاز به پژوهش مجزایی دارد). این موارد وضعیت نگران‌کننده‌ای را در مورد خانواده‌های متزلزل و متلاشی در جامعه گوشزد می‌کند. استحکام و یا بی‌ثباتی نهاد خانواده، زمینه‌ها و ابعاد متعددی را شامل می‌شود و وابسته به عوامل مختلفی است. به همین دلیل اهمیت خانواده موجب گردیده تا اندیشمندان علوم انسانی در رشته‌های تخصصی خود و با رویکردهای گوناگون، به مسائل خانواده بپردازند و عوامل ایجادکننده را از منظر تحلیلی خاص، تبیین نمایند. در حوزه جامعه‌شناسی از دهه ۲۳۰ به بعد، مطالعات خانواده در میان جامعه‌شناسان خانواده محوریت یافت (آزادارمکی، ۱۳۸۶) و «ویلیام اف. آگ برن» از اولین جامعه‌شناسان متخصص در حوزه خانواده بود که به بررسی وضعیت خانواده آمریکایی پرداخت (آگ برن، ۱۹۳۴) و اولین کسانی که نگاهی علمی به خانواده داشتند، «فدریک لوپله» از فرانسه و «ویلهلم هاینریش ریل» از آلمان بودند. این دو که می‌توان آنان را پدران جامعه‌شناسی خانواده نامید در اوج انقلاب صنعتی اروپا شاهد فروپاشی خانواده بودند و ریشه آن را در تحولات فکری آزادخواهانه و برابری می‌شناختند (آزادارمکی، ۱۳۸۹). جامعه‌شناسان از سوئی، به مسائلی مانند ساختار و کارکرد خانواده شامل روابط بین اعضا و کارکردهای خانواده و تعامل یا کنش متقابل در درون خانواده توجه داشته‌اند و از سوئی دیگر، به تغییرات و تحولات خانواده و دگرگونی‌هایی که در اثر ارتباط بین عوامل بیرونی و درونی خانواده به وجود می‌آید، می‌پردازند. از نظر مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی «مفیدیت» و «مجموعه‌نگر» است که وجود و بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد. بر اساس این دیدگاه، مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آن‌ها برای پذیرش قواعد مربوط به زندگی اجتماعی است و علاوه بر این نهاد خانواده تاکنون تأمین‌برخی از اولیه‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای اعضا، از قبیل نیازهای عاطفی و تغذیه‌ای و نیازهای جنسی و حمایت‌پشتیبانی رابه عهده‌داشته‌است و طبیعتاً تا هنگامی که تأمین همه یا بخشی از این نیازها را به عهده داشته باشد، به‌رغم تحولات و تغییراتی که در شکل و ساختار آن پدید می‌آید، همچنان برقرار خواهد ماند (روح‌الامینی، ۱۳۷۷). از نظر «دورکیم» (۱۹۶۹) خانواده جزئی از جامعه و شناخت آن مستلزم شناخت کل جامعه است؛ زیرا در فرایند تکامل یا تأثیر و تأثر با جامعه قرار می‌گیرد. به اعتقاد او انسجام اجتماعی تنها نیرویی است که هدفها، واکنش‌ها و چگونگی رفتار فردی انسان را تعیین می‌کند. وی فرهنگ و نهادهای اجتماعی را بنیادی‌ترین

منشأ انسجام اجتماعی معرفی می‌کند که از دو کارکرد مهم برخوردار است: نخست اینکه انسجام و پیوستگی اجتماعی، امکان حمایت روانی اعضای جامعه را در وضعیت‌های بحرانی فراهم می‌کند و از نگرانی‌ها، فشارها و نیز از تأثیر بحران بر افراد می‌کاهد. دوم انسجام اجتماعی را که نقش آن کنترل و نظارت بر افراد است در جوامع بسیار همبسته و منسجم (از جمله خانواده) حفظ می‌کند. به طوری که افراد به حال خود رها نمی‌شوند؛ به خدمت خانواده درمی‌آیند؛ به جای منافع فردی به منافع جمعی می‌اندیشند و در نهایت، فردگرایی و از هم گسیختگی کاهش می‌یابد (دورکیم، ۱۳۷۸)؛ همچنین شکل‌گیری اشکال مختلف خانواده (گیدنز، ۱۹۹۲)، کاهش قدرت کنترل رفتارهای جنسی اعضای خانواده (لش، ۱۹۷۷)، کاهش نقش حمایتگری عاطفی خانواده و ناکارآمدی این نقش در برابر واقعیات زندگی مدرن، کاهش زمان حضور والدین در خانه و افزایش تنهایی‌های کودکان (پوپونه، ۱۹۹۳)، افزایش خودمختاری افراد و کاهش پذیرش محدودیت‌ها از سوی خانواده و افزایش میزان طلاق (کاستلز، ۱۳۸۰)، کاهش فزاینده فشار هنجارهای الزام‌آور ازدواج و متأهل ماندن (نیومن، ۱۹۹۹)، کاهش اعتقاد به نقش‌های جداگانه برای مرد و زن (همسران)، افزایش میزان همزیستی بدون ازدواج، افزایش میزان مادری بدون ازدواج، کاهش انگیزه و گرایش به بچه‌دار شدن، کاهش ارزش نقش مادری از دیدگاه زنان، کوچک شدن ابعاد خانواده (کییران، ۲۰۰۴)، معتقدان به افول خانواده با استناد به این دلایل، استدلال می‌کنند که شکل بنیادی خانواده هسته‌ای، دیگر فراگیر نیست. برخی نیز چنین استدلال می‌کنند که با وجود عمومیت خانواده هسته‌ای، «هنجارهای خانواده»، مبنی بر تشکیل خانواده توسط زوج ازدواج کرده، جای خود را به اشکال و ترتیبات دیگری از خانواده داده است (کییران، ۲۰۰۴). در طول تاریخ نیز از «افلاطون» تا «هاکسلی» درصدد برآمدند تا سازمان‌ها و نهادهای دیگری به جای خانواده ایجاد کنند ولی موفق نشدند (ساروخانی، ۱۳۷۹). خانواده به‌عنوان واحد سازمان بخش روابط مشروع انسان‌ها همیشه بوده است. هرچند دگرگونی‌های متعددی را متحمل شده است. ولی علی‌رغم این تغییرات، از طریق بیولوژیک و جامعه‌شناختی مناسبات فرهنگی جامعه را بازتولید کرده است و از این طریق استمرار آن را میسر می‌سازد (فوربز، ۲۰۰۵). «یونگ» (۱۹۷۱)، معتقد است که رابطه مثبت با خانواده اولیه در سازگاری باهمسر، نقش دارد (ثنائی، ۱۳۷۸: ۲۹). افراد هویت خود را از خانواده می‌گیرند و فرد بدون خانواده قابل‌تعریف نیست. در واقع خانواده کانون شکل‌گیری هویت است (مینوچین، ۱۳۷۵). انسان علاوه بر این که ویژگی‌های ژنی و جسمی خود را از خانواده می‌گیرد از راه برون‌سازی با خانواده تمام ویژگی‌ها و ارزش‌های آن را درونی می‌کند (ثنائی، ۱۳۷۸). همه این وقایع گویای این مطلب است که فلاسفه، اصلاح‌طلبان، پیشوایان دینی و رهبران جامعه در طول تاریخ بشری به اهمیت الگوهای خانوادگی به‌عنوان عامل اساسی ساخت اجتماعی متفق‌القول بوده‌اند و نیز می‌رساند که محققان اجتماعی باید رفتار خانوادگی را خوب درک کنند تا بتوانند به‌طور کلی جریان‌ات اجتماعی را تجزیه و تحلیل نمایند. طی تحقیقات علمی که در کشور صورت گرفته، مسئله خانواده و طلاق، جزو ده مسئله اصلی کشور بوده است. بعضی از این تحقیقات عبارتند از: ۱- طرح تحقیقاتی «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها» (با روش کمی در ۲۸ استان کشور با سؤالات بسته در مقیاس لیکرت انجام شده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲). در این تحقیق، مسئله طلاق در ردیف ۶ و روابط نامشروع در ردیف ۸ مسائل اجتماعی ایران قرار داشت. ۲- طرح «دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور» (با روش کمی در ۳۰ استان از هزار نفر از مطالعات با سؤالات بسته و در مقیاس لیکرت و یک سؤال باز انجام شده است (معمدی، ۱۳۸۳). در این تحقیق مسئله طلاق در ردیف ۴ و خانواده‌های نابسامان در ردیف ۵ و فحشا و فرار از منزل

در ردیف‌های ۸ و ۱۷ قرار داشت. ۳- طرح «مسائل اجتماعی از دیدگاه مردم تهران» (به طریق روش کمی در سطح شهر تهران با سؤالات بسته و یک سؤال باز انجام شده است (گروه پژوهشی آینده، ۱۳۸۰). در این تحقیق، مسئله ازدواج در ردیف ۱۰ و مشکلات خانوادگی در ردیف ۱۲ قرار داشت. ۴- طرح «شناسایی مقولات متفاوت پیرامون مفهوم زرنگی» (بیوک محمدی، ۱۳۷۵). در این تحقیق، طلاق و مسائل خانواده در ردیف ۴ و مسائل مربوط به بی‌بندوباری در ردیف ۱۱ قرار داشت (بیوک محمدی و زرنگی، ۱۳۹۳). همچنین نگاهی به وضعیت آمار طلاق در ایران نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر روندی رو به رشد داشته است حتی بیشتر از میزان پیش‌بینی شده در برنامه پنج‌ساله چهارم، که از ۵/۵ درصد رشد پیش‌بینی شده در سال آخر برنامه ۱۳۸۸ به ۱۳/۸ درصد رشد در این سال رسیده است (امیدی شهرکی، ۱۳۸۸)؛ یعنی حدود ۲/۵ برابر میزان پیش‌بینی شده، طلاق رخ داده است و نسبت به ۱۷ سال گذشته نزدیک به ۵ برابر شده است، در حالی که در این مدت ازدواج کمتر از دو برابر افزایش داشته است (ثبت احوال کشور، ۱۳۹۴). بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ شهرستان زنجان نیز، در این سال تعداد ۹۶۱۵ ازدواج و تعداد ۲۴۱۲ طلاق به ثبت رسیده است که نسبت به سال گذشته به ترتیب ۱۱/۱۲ و ۰/۳۷ درصد کاهش داشته است (سالنامه آماری استان زنجان، ۱۳۹۵). با توجه به این تغییرات و تحولات در زمینه خانواده و اینکه نهاد خانواده در کشور ما همواره از استحکام و غنای خاصی برخوردار بوده است و بیشتر مسائل فرهنگی و شخصیتی و اجتماعی ما در کانون خانواده شکل می‌گیرد، باید آن را از جنبه‌های مختلف بررسی و ارزیابی نمود که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن، مسئله تزلزل و تحکیم خانواده است. با بررسی ابعاد مختلف تحکیم خانواده می‌توانیم مسئله تحکیم خانواده را در چهار بُعد شناسایی کنیم: ۱- تشکیل خانواده (ازدواج)، ۲- تداوم خانواده (روابط همسران با یکدیگر و با خانواده‌های‌شان)، ۳- توسعه خانواده (روابط والدین و فرزندان و خویشاوندان)، ۴- پیرا خانواده (مسائل پیرامونی خانواده). از آنجایی که تمامی ابعاد تحکیم خانواده، گسترده و پیرامنه است، این پژوهش مسئله تحکیم خانواده را با توجه به بُعد دوم (تداوم آن) پی می‌گیرد که عوامل و موانع زیادی باعث اخلال در روند آن شده است از جمله: سستی پیوندهای عاطفی و روحی زن و شوهر، جابجایی و تداخل و به هم خوردن نقش‌های خانوادگی زوجین، ضعف زوجین در مهارت‌های همسررداری، اعتیاد زن یا شوهر، افسردگی و اضطراب در خانواده، عدم ارضای نیازهای جنسی و عاطفی زوجین، خشونت و همسرآزاری، عدم آشنایی کافی زوجین با حقوق و مسئولیت‌های همدیگر، کاهش آستانه تحمل زوجین، تنوع‌طلبی در روابط جنسی، فشار مضاعف ناشی از کارهای خانه و اشتغال، اشتغال بیش‌ازحد مرد و نداشتن فرصت برای خانواده، دخالت‌های اطرافیان زوجین در زندگی زوجین و... از این‌رو، پژوهش در این زمینه، هم می‌تواند روشنگر برخی ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ما باشد و هم به شناخت و برنامه‌ریزی در جهت حفظ، ثبات و استحکام نهاد خانواده، یاری رساند که شناخت عالمانه و مدبرانه آن با استفاده از مدل‌ها و نظریه‌های موجود و نیز قضاوت متخصصان و اهل فن و به‌طور جدی با انجام پژوهش‌های علمی جامع و با آگاهی از نظرات صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی و پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده است و با توجه به نقش خانواده، به‌عنوان اصلی‌ترین رکن نظام اجتماعی و تأثیرگذاری وسیع و همه‌جانبه آن بر سایر نهادهای اجتماعی، آسیب‌شناسی آن بسیار ضروری است و شرط پویایی و استمراری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان همسران و ارتباط آن‌ها با فرزندان‌شان است. تحصیل معرفت به این‌گونه روابط، نیازمند آشنایی هر یک

از اعضا با وظایف و حقوق خویش است؛ بنابراین در چنین شرایطی تنها با تدوین و تبیین راهبردهای تحکیم بنیان خانواده و تلاش در جهت ارتقای آن می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم امیدوار بود. همچنین نگاهی به منازعات زوجین و مراجعه به پرونده‌های مربوط به طلاق در محاکم دادگستری‌ها (رئیس کل دادگستری زنجان: آمار طلاق در زنجان نگران‌کننده است که حفظ و صیانت از کیان خانواده باید مورد توجه جدی قرار گیرد (زنجان، ایرنا). گویای این حقیقت تلخ است که میزان طلاق و فروپاشی خانواده‌ها در دادگاه‌ها (از جمله در زنجان) نیز در حال افزایش می‌باشد. در این راستا پژوهشگر بر آن است که به بررسی عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده و تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی نظرات کارشناسان حوزه خانواده شهر زنجان و مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده نسبت به تحکیم بنیان خانواده بپردازد و باید هر چه بیشتر در جهت نیل به سعادت‌مندی آن کوشید که دستیابی به این مهم تنها از طریق شناسایی عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده امکان‌پذیر است و می‌توان راهکارهای عملی نو و مؤثر را در اختیار سازمان‌ها و مسئولین ذیربط خانواده قرارداد و با توضیحاتی که گذشت، مسئله اصلی و از جمله دغدغه‌های اصلی محقق در این پژوهش آن است که: چه عوامل و موانعی تحکیم بنیان خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ کارشناسان حوزه خانواده با توجه به اندوخته‌های علمی، تخصصی و تجربیات شغلی خود در حوزه خانواده نسبت به عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده و استحکام پایه‌های آنچه نظرات و پیشنهاداتی ارائه می‌دهند؟ و مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده، به کدام یک از عوامل و موانع عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و... در کاهش و افزایش تحکیم بنیان خانواده اشاره می‌کنند؟

چارچوب نظری پژوهش

از میان مکاتب و دیدگاه‌هایی که جامعه‌شناسان حوزه خانواده درباره موضوع تحکیم بنیان خانواده اظهار نظر نمودند و از نگاه پارادایمی به آن نگریسته‌اند مکتب ساخت‌گرا کارکردگرایی انسجامی می‌باشد که در این تحقیق نگارنده سعی نموده با استفاده از نظریات نظریه‌پردازان این مکتب برای یافتن عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده بپردازد؛ زیرا آن‌ها بر خانواده به‌منزله نهاد بنیادی جامعه تأکید داشته‌اند. طبق این دیدگاه خانواده وظایف مهمی را به انجام می‌رساند که جزء نیازهای اساسی جامعه است و به بقای نظم اجتماعی کمک می‌کند (تنهایی، ۱۳۸۳). یکی از ابعاد این گرایش، قائل شدن به تشابه بین موجودات زنده و جامعه است؛ که بنابراین جامعه را یک موجود زنده تلقی می‌کند. یکی از پیش‌فرض‌های هستی‌شناسی و فلسفی مکتب ساخت‌گرا کارکردگرایی انسجامی بر این دلالت دارد که موجودات مورد مطالعه ما حالت‌های مجموعه‌ای و یا سیستمی دارند؛ یعنی، دارای اجزا و عناصری هستند که در یک مجموعه کلی قرار می‌گیرند و این مجموعه کل، دارای حیات خاصی است؛ به عبارت دیگر، اجزا عناصری هستند که در یک رابطه مجموعه‌ای قرار می‌گیرند و تشکیل یک کلیت و یا تمامیت و یا یک جامعیت را می‌دهند. این کلیت متشکل از روابط متقابل بین اجزا است. دو نوع رابطه بین این کلیت و اجزاء وجود دارد: ۱- روابطی که مبتنی بر کنش متقابل است. ۲- روابطی که مبتنی بر خصلت «شیفتگی، وابستگی یا پای‌بندی» می‌باشد. در مکتب کارکردگرایی اصالت به جمع داده می‌شود. جمع است که مهم است نه تعداد افراد. از نظر این مکتب، انسجام وقتی صورت می‌گیرد که سه شرط حاصل شود: الف) نظم، ب) تعادل، ج) آرامش: این شرط در واقع شرط روان‌شناختی و درعین حال جامعه‌شناختی جوامع است؛ آرامشی که مبتنی بر تعامل و نظم است. شرط آرامش اصلاحاتی است که کارکردگراها شیفته آن هستند و همواره در پی برقراری آن می‌باشند. جامعه‌ای که از آرامش دور

باشد، جامعه فساد و مضمحل است که در حال خراب‌شدن است. جامعه‌ای که آرامش بر آن مسلط شود، جامعه‌ای سرزنده و سرحال و بانشاط است، همواره می‌تواند سالم باشد و پیشرفت کند. «کارکردگرایان» به طور کلی جامعه را نظامی دارای نظم و ترتیب می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانسیم زنده است. کارکردگرایان بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام خانواده، مذهب و سازمان‌های آموزشی و پرورشی‌اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آن‌ها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همه این نهادها (اجزای سیستم) دارای ارتباط متقابل‌اند و هر یک از آن‌ها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختمان مناسب داشته و به گونه‌ای عمل کند که با اجزای دیگر سازگار باشد. ناسازگاری اجزای سیستم اجتماعی، موجب تجزیه آن و تضاد بین اجزاء باعث نابودی آن خواهد شد. ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم، سازواری (هم‌آهنگی و وفاق) در ارزش‌های مشترک است. به طور کلی دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می‌دهد که در رابطه با کار و وظیفه سایر اعضا و اجزا به انجام کل بدن کمک می‌کند و وظایف هر کدام به نوبه خود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است چراکه به کلیت نظام و حفظ آن کمک می‌کند (توسلی، ۱۳۸۵). رویکرد «کارکردگرایی» از اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا از طریق کارکردگرایی معرفی می‌شود. این نظریه در حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی به وسیله کاربران مختلف به کار بسته می‌شود در پس‌زمینه تئوریک غالب نظریات جامعه‌شناختی، نشانه‌هایی از آن را می‌توان مشاهده نمود (فصیحی، ۱۳۸۹). اندیشه و آرای افلاطون نسبت به جامعه و انسان مهم‌ترین بنیان‌های تاریخی کارکردگرایی مدرن نسبت به جامعه و انسان محسوب می‌شود. از آمیزش این زیربنا با ساخت تکنیکی علمی و فرهنگ جدید، نوین متولد شد؛ ولی افکار افرادی مانند "آگوست کنت"، "هربرت اسپنسر"، "امیل دورکیم"، به صورت مستقیم‌تر به شکل‌گیری این الگوی نظری نقش داشته است (ریترز، ۱۳۸۰؛ و کوزر، ۱۳۸۰؛ و دورکیم، ۱۳۴۳). در جدول زیر نحوه کاربرد نظریات نظریه‌پردازان مکتب کارکردگرایی نسبت به موضوع پژوهش حاضر تحکیم بنیان خانواده، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

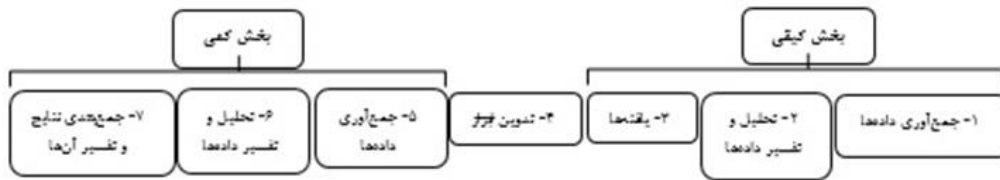
جدول ۱. کاربرد نظریه‌پردازان مکتب کارکردگرایی نسبت به تحکیم بنیان خانواده

متغیر وابسته	شاخص	نظریه‌پردازان	فرضیات
متغیرهای مستقل	میزان رضایت زوجین	مکتب ساخت‌گرا کارکردگرایی انسجامی (دورکیم، پارسونز و...)	بین میزان رضایت زوجین، تشریک‌مساعی در امور خانواده، میزان همبستگی بین اعضای خانواده، میزان اعتماد به اعضای خانواده، میزان مهارت‌های زندگی و میزان تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.
	تشریک‌مساعی	آبراهام مازلو، تالکوت پارسونز	بین میزان رضایت زوجین (رضایت از همسر، رضایت از زندگی زناشویی، رضایت از رابطه جنسی و...) و میزان تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.
	تشریک‌مساعی	آلن بیرو	

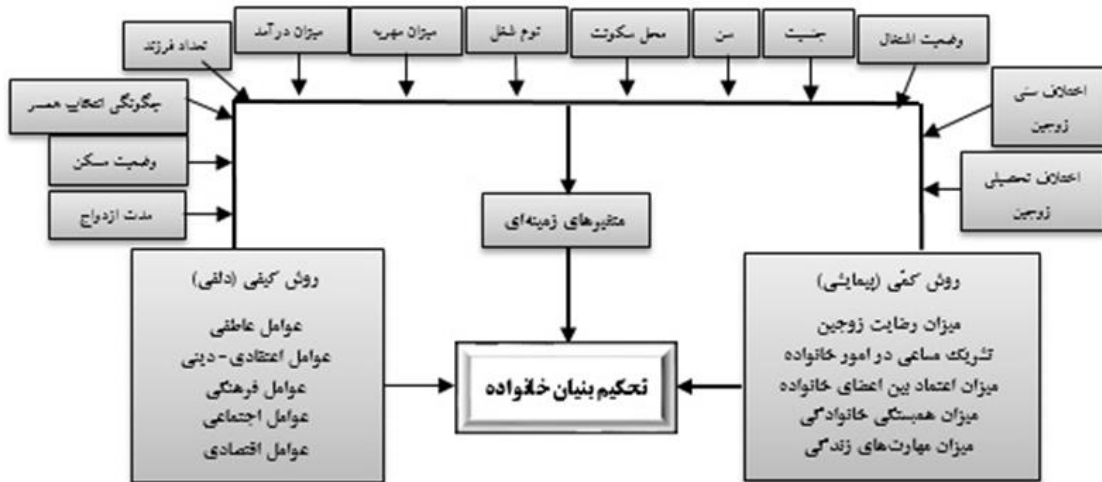
در امور خانواده	بین تشریک مساعی در امور خانواده و میزان تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.
میزان همبستگی اعضای خانواده	امیل دورکیم، تالکوت پارسونز و ویلیام گود، دوروتی لاونولت
میزان اعتماد به خانواده	بین میزان اعتماد به خانواده و میزان تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد
میزان اعتماد به خانواده	امیل دورکیم، رابرت پاتنام
مهارت‌های زندگی	بین میزان مهارت‌های زندگی و میزان تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.
مهارت‌های زندگی	فیلیپ مک‌گراو
متغیرهای زمینه‌ای	بین متغیرهای زمینه‌ای و میزان تحکیم بنیان خانواده رابطه وجود دارد.
متغیرهای زمینه‌ای	پیتر رُسی و همکاران

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف یک مطالعه کاربردی و به لحاظ زمانی مقطعی و به لحاظ پارادایم از نوع تحقیقات آمیخته (کیفی و کمی) با رویکرد اکتشافی و به لحاظ ابزار گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه عمیق میدانی، کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی انجام گرفت و دو روش برای اخذ اطلاعات از جامعه آماری مدنظر قرار گرفت: ۱- اخذ نظرات کارشناسان حوزه خانواده در شهر زنجان نسبت به عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده، با تکنیک دلفی (در چهار راند) و مصاحبه عمیق، به صورت نمونه‌گیری غیر احتمالی و با گزینش اعضا باروش هدف‌دار و ۲- اخذ نظرات مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده در شهر زنجان نسبت به عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده از طریق روش پیمایشی با کمک نمونه‌گیری تصادفی ساده، با تعیین حجم نمونه فرمول کوکران انجام گرفت. در طی انجام این پژوهش در ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۹ (از فروردین تا اسفندماه) حدود ۴۱۴۶ نفر به دادگاه خانواده زنجان مراجعه کردند و از این تعداد ما حجم نمونه‌ای به تعداد تقریبی ۳۰۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. این پرسشنامه‌ها حاوی سؤالاتی پیرامون متغیرهای پژوهش می‌باشد که به منظور اخذ نمرات افراد (نمونه‌ها) پیرامون متغیرهای پژوهش تهیه و تنظیم گردید. به طور کلی سؤالات پرسشنامه به صورت سؤالات چندگزینه‌ای و طیف لیکرت بوده که هر یک برای پاسخ به شاخص‌هایی تهیه شد. سپس اطلاعات، جمع‌آوری و در تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار spss: فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد برای یافته‌های توصیفی و از آزمون آماری ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون یومان ویتنی، آزمون کروسکال والیس، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای پژوهش، از یافته‌های استنباطی استفاده شد.



ترسیم مدل مفهومی پژوهش در روش ترکیبی: (دلفی و پیمایشی)



یافته‌ها

استنتاج آماری و تئوریک روش پیمایشی

با استفاده از تئوری مکتب کارکردگرایی در روش پیمایشی، فرضیه ما عبارت بود از اینکه: میزان تحکیم بنیان خانواده در بین مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده زنجان پایین می‌باشد که با استفاده از روش آماری، از بین حجم نمونه مورد مطالعه، میزان تحکیم بنیان خانواده، در بین $80/3$ درصد پاسخگویان پایین، 15 درصد متوسط و $4/7$ درصد بالا است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان تحکیم بنیان خانواده در بین پاسخگویان پایین و با توجه به میانگین آن $2/19$ بوده که از میانگین نظری (3) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد.

* و در فرضیه اول (عوامل زمینه‌ای) با استفاده از تئوری پیترسکی و همکاران و با توجه به نتایج آزمون یومان ویتنی برای سنجش تفاوت میانگین گروه‌ها نشان می‌دهد که بین دو گروه مرد و زن تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرضیه مذکور تأیید می‌گردد (فرض $H1$) و با توجه به آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن (بین سن، اختلاف سنی زوجین، تعداد فرزندان و تحکیم بنیان خانواده)، رابطه معنی‌داری وجود ندارد (فرض $H0$)، همچنین با توجه به آزمون کروسکال والیس (رابطه بین نحوه انتخاب همسر و تحکیم بنیان خانواده)، جهت مقایسه میانگین، تفاوت معنی‌داری وجود دارد (فرض $H1$)، همچنین با توجه به آزمون ضریب همبستگی

اسپیرمن (رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی^۱ و تحکیم بنیان خانواده)، رابطه معنی‌داری وجود دارد و شدت رابطه بالا است (فرض H1).

* همچنین در فرضیه دوم میزان رضایت زوجین در بین ۶۰/۳ درصد پاسخگویان پایین (ناراضی)، ۳۸/۳ درصد متوسط (تاحدی راضی) و ۱/۳ درصد بالا (راضی) است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان رضایت زوجین در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۳۷ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. با استفاده از تئوری آبراهام مازلو و تالکوت پارسونز و با توجه به آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن «بین رضایت زوجین (رضایت از همسر، رضایت از زندگی زناشویی و رضایت از رابطه جنسی) و تحکیم بنیان خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد» و شدت رابطه بالا است (فرض H1).

* در فرضیه سوم میزان تشریک‌مسابی در امور خانواده در بین ۶۱ درصد پاسخگویان پایین، ۲۳/۷ درصد متوسط و ۱۵/۳ درصد بالا است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان تشریک‌مسابی در امور خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۴۹ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. با استفاده از تئوری آلن بیرو و با توجه به آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن «بین تشریک‌مسابی در امور خانواده و تحکیم بنیان خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد» و شدت رابطه بالا است (فرض H1).

* در فرضیه چهارم میزان همبستگی اعضای خانواده در بین ۵۸/۳ درصد پاسخگویان پایین و ۴۱/۷ درصد متوسط است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان همبستگی اعضای خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۴۷ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. با استفاده از تئوری‌های امیل دورکیم، تالکوت پارسونز، ویلیام گود و دوروتی لاونولت و با توجه به آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن «بین میزان همبستگی بین اعضای خانواده و تحکیم بنیان خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد» و شدت رابطه پایین است (فرض H1).

* در فرضیه پنجم میزان اعتماد به اعضای خانواده در بین ۴۳ درصد پاسخگویان پایین، ۵۴/۷ درصد متوسط و ۲/۳ درصد بالا است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان اعتماد به اعضای خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۶۹ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. با استفاده از تئوری رابرت پوتنام و با توجه به آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن «بین میزان اعتماد به خانواده و تحکیم بنیان خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد» و شدت رابطه متوسط است (فرض H1).

* در فرضیه ششم میزان به‌کارگیری مهارت‌های زندگی در خانواده در بین ۶۳/۷ درصد پاسخگویان پایین و ۳۶/۳ درصد بالا است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان به‌کارگیری مهارت‌های زندگی در خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۴۱ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. همچنین ۲۵/۳ درصد از پاسخگویان ضعف مهارت‌های زندگی را در خانواده به عنوان یکی از مشکلات خانواده امروزی دانسته‌اند که عدم مسئولیت‌پذیری بالاترین مشکل این افراد می‌باشد، دومین مسئله‌ای که عنوان شده نارضایتی زناشویی با ۲۳/۳ درصد بوده که در این عامل، عدم آگاهی از مسائل جنسی بالاترین درصد (۲۲/۶ درصد) را به خود اختصاص داده است؛ عامل سوم از نظر پاسخگویان شرایط بد اقتصادی (۲۱/۵)

۱- پایگاه اقتصادی و اجتماعی از تجمیع میزان درآمد، نوع منزل مسکونی، شغل، تحصیلات و میزان مهریه به دست آمده است که ابتدا تک‌تک عامل‌ها استانداردسازی شده و در راستای یک مقیاس قرار گرفته و سپس این عوامل با هم جمع شده و پایگاه اقتصادی اجتماعی را تشکیل دادند.

درصد) است که در تضعیف بنیان خانواده اثرگذار است که از این عامل شاخص "سطح پایین درآمد و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی" بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است، نقش شبکه‌های مجازی را نیز در این بحث نباید نادیده گرفت، چراکه افراد با ورود به شبکه‌های مجازی از دنیای واقعی دور شده و به راحتی می‌تواند حریم‌ها را شکسته و یک زندگی پرتنش را بیافریند در این عامل خیانت زوجین به یکدیگر (۳۲/۷ درصد) پررنگ‌تر می‌باشد. در مرتبه بعدی عامل فردی (اختلالات رفتاری) نمود پیدا می‌کند که پاسخگویان به اعتیاد اعضای خانواده اشاره کرده‌اند و نهایتاً از بین عوامل اجتماعی می‌توان به الگوپذیری غلط و کورکورانه از دیگران را یکی از مسائل و مشکلات خانواده امروزی نام برد. همچنین ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان را قبل از ازدواج به‌عنوان اولین راهکار برای تقویت استحکام بنیان خانواده عنوان نموده و ۲۴/۱ درصد دادن مشاوره‌های عمیق پیرامون مسائل زناشویی قبل از ازدواج، ۲۰/۵ درصد ریشه‌کن کردن اعتیاد، جرم و بزه در کشور، ۱۸/۸ درصد اشتغال‌زایی و رفع مشکل بیکاری جوانان و ۱۰/۴ درصد فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه مجازی را راهکاری مناسب برای تقویت بنیان خانواده می‌دانند. با استفاده از تئوری‌های فیلیپ مک‌گراو و با توجه به آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن «بین میزان به‌کارگیری مهارت‌های زندگی در خانواده و تحکیم بنیان خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد» و شدت رابطه متوسط است (فرض H1).

* و همچنین رگرسیون چندمتغیری برای تبیین عوامل مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده انجام گرفت که این امر در هر کدام از مراحل روش تحلیل رگرسیون یعنی روش گام‌به‌گام در سطح معنی‌داری قابل قبول (یعنی حداقل ۹۵ درصد) نشان داده می‌شود. لذا ضریب همبستگی چندمتغیره (R) در هر کدام از شاخص‌ها بیانگر شدت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد و درعین حال ضریب تعیین (R^2) نشانگر توضیح و تبیین تغییرات میزان متغیر وابسته از سوی عوامل و متغیرهای مستقل است به‌عبارت‌دیگر، با اضافه شدن یک واحد میزان رضایت زوجین، معادل ۰/۲۴ واحد تحکیم بنیان خانواده افزایش می‌یابد (یعنی یک رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد که با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد). با اضافه شدن یک واحد میزان همبستگی اعضای خانواده، معادل ۰/۱۸ واحد تحکیم بنیان خانواده افزایش می‌یابد (یعنی یک رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد که با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد). البته با توجه به جداول فوق ضریب همبستگی چندمتغیری (R) در هر کدام از این شاخص‌ها رابطه نسبتاً پایین (پایین‌تر از ۵۰ درصد) را با تحکیم بنیان خانواده نشان می‌دهند و ضریب تعیین (R Square) نیز در حد پایین (پایین‌تر از ۲۵ درصد) تغییرات تحکیم بنیان خانواده را مبتنی بر شاخص‌ها تعیین می‌نماید. طبق آزمون معنی‌داری معادله این میزان در هر کدام از مراحل روش تحلیل رگرسیون معنادار می‌باشد.

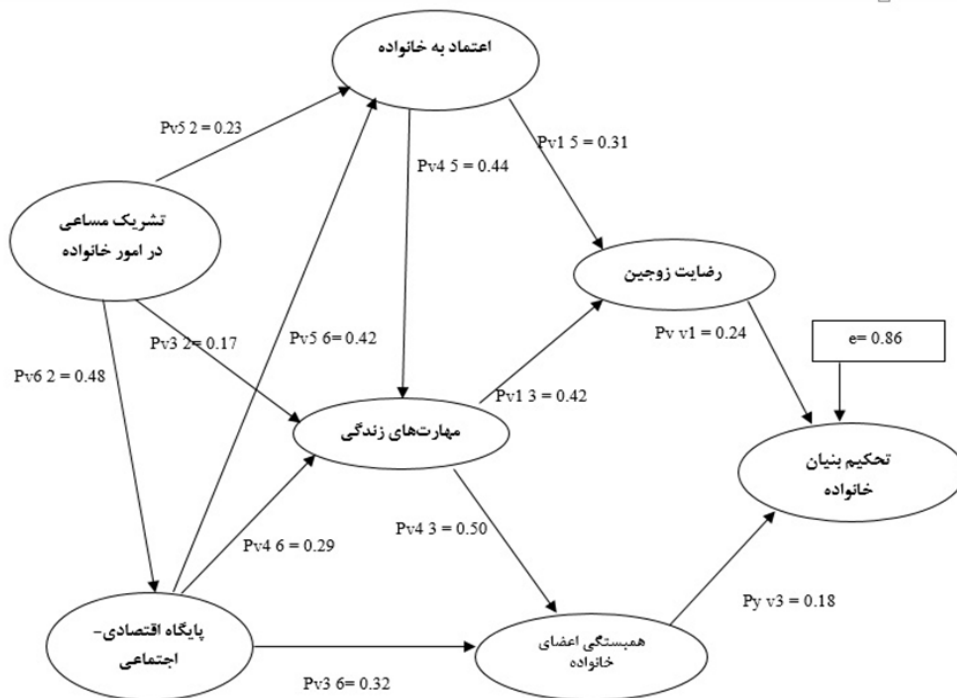
جدول ۲. رگرسیون چند متغیری برای تبیین عوامل مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده

متغیر	R	R ²	S.E	F	Beta
همبستگی بین اعضای خانواده	۰/۳۵	۰/۷۳	۸/۹۱	۳۷/۸۵	۰/۳۴
	۰/۳۸	۰/۷۴	۸/۰۰	۱۶/۹۳	-۰/۱۸

معادله رگرسیون استاندارد (مدل خطی چندمتغیره) برای شاخص (۷)

$$Z = \text{Beta}_1 Z_{v1} + \text{Beta}_2 Z_{v2} + \text{Beta}_3 Z_{v3} + e$$

رضایت زوجین (۰/۲۴) = تحکیم بنیان خانواده
همبستگی اعضای خانواده (۰/۱۸)



تحلیل مسیر عوامل تأثیرگذار بر تحکیم بنیان خانواده

با توجه به مدل فوق می‌توان گفت ۲۶ درصد واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای حاضر در مدل تبیین گردیده و ۷۴ درصد واریانس متغیر وابسته توسط عواملی صورت می‌گیرد که در این تحقیق پیش‌بینی نشده است.

$$e=1-r \quad e=0.86 \quad e^2=0.74 \quad R^2=1-e^2 \quad R^2=0.26 \quad r=0.14 \quad r^2=0.0196$$

استنتاج بر اساس اهداف و سؤالات پژوهشی در روش دلفی و پیمایشی

سؤال ۱- عوامل تحکیم بنیان خانواده (عوامل عاطفی، اعتقادی-دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر کارشناسان حوزه خانواده چگونه است؟ با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل و تفسیر نظرات

کارشناسان حوزه خانواده در چهار راند دلفی و با توجه به آمار مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده زنجان، مشاهده شد تحکیم بنیان خانواده در سطح پایین می‌باشد.

سؤال ۲- عوامل تحکیم بنیان خانواده (عوامل عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده شهر زنجان چگونه است؟ با استفاده از روش آماری، در روش پیمایشی ۳۸/۷ درصد از پاسخگویان مرد و ۶۱/۳ درصد از پاسخگویان زن (عوامل زمینه‌ای) می‌باشند. * سن (عوامل زمینه‌ای) ۳۴ درصد از پاسخگویان کمتر از ۳۰ سال، ۳۴/۷ درصد ۳۱-۴۰ سال و ۳۱/۳ درصد از پاسخگویان بیش از ۴۰ سال سن دارند و میانگین سنی در بین پاسخگویان ۳۱ سال می‌باشد. * و ۱۸ درصد پاسخگویان باهمسرشان کمتر از دو سال اختلاف سنی (عوامل زمینه‌ای) دارند، ۴۶/۷ درصد بین ۲ تا ۵ سال، ۲۷/۷ درصد بین ۶ تا ۹ سال و ۷/۷ درصد بیش از ۱۰ سال باهمسر خود اختلاف سنی (عوامل زمینه‌ای) دارند و میانگین اختلاف سنی زوجین در این پژوهش ۴ سال و ۵ ماه می‌باشد. * میزان مهریه (عوامل زمینه‌ای، فرهنگی و اجتماعی) ۴۸/۵ درصد از پاسخگویان کمتر از ۱۱۴ سکه بهار آزادی بوده، ۴۱/۸ درصد ۲۵۰-۱۱۵ سکه و مهریه ۹/۸ درصد از پاسخگویان بیش از ۲۵۰ سکه بهار آزادی می‌باشد. * سال‌های ازدواج (عوامل زمینه‌ای و عاطفی) ۴۷/۷ درصد پاسخگویان کمتر از ۵ سال، ۲۴/۷ درصد بین ۶-۱۰ سال و ۲۷/۷ سال‌های ازدواج ۲۷/۷ درصد پاسخگویان بیش از ۱۰ سال است و میانگین سال‌های ازدواج زوجین در این پژوهش ۵ سال می‌باشد. * تحصیلات (عوامل زمینه‌ای، فرهنگی و اجتماعی) ۶/۷ درصد پاسخگویان زیر دیپلم، ۳۷/۷ درصد دیپلم و فوق‌دیپلم، ۵۱/۳ درصد پاسخگویان دارای مدرک لیسانس بوده و ۴/۳ درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس و دکترا می‌باشند. * تحصیلات همسر (عوامل زمینه‌ای، فرهنگی و اجتماعی) ۵ درصد پاسخگویان زیر دیپلم، ۳۶ درصد دیپلم و فوق‌دیپلم، ۵۱/۷ درصد پاسخگویان دارای مدرک لیسانس بوده و ۷/۳ درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس و دکترا می‌باشند. * شغل (عوامل اقتصادی) ۳۱/۷ درصد پاسخگویان کارمند، ۱۵ درصد شغل آزاد، ۱۴ درصد کارگر، ۳۸/۷ درصد پاسخگویان خانه‌دار و شغل ۰/۷ درصد پاسخگویان پزشک می‌باشد. * شغل همسر (عوامل اقتصادی) ۲۳/۳ درصد پاسخگویان کارمند، ۳۰/۷ درصد شغل آزاد، ۱۶ درصد کارگر بخش خصوصی، ۵ درصد کارگر روزمزد، ۲۴/۷ درصد خانه‌دار و شغل همسر ۰/۳ درصد پاسخگویان پزشک می‌باشد. * درآمد (عوامل اقتصادی) ۵۰/۷ درصد پاسخگویان کمتر از سه میلیون تومان، ۲۷/۷ درصد ۳-۶ میلیون تومان و درآمد ۲۱/۶ درصد بالاتر از شش میلیون می‌باشد. * منزل مسکونی (عوامل اقتصادی) ۵۳ درصد پاسخگویان شخصی، ۳۵ درصد استیجاری، ۲/۳ درصد پاسخگویان در خانه‌های سازمانی ساکن بوده و ۹/۷ درصد پاسخگویان در منزل پدری زندگی می‌کنند. * و ۶۷ درصد پاسخگویان فرزندی ندارند، ۲۵/۷ درصد پاسخگویان ۲-۱ فرزند و ۷/۳ درصد ۳-۴ فرزند (عوامل زمینه‌ای) دارند. * و ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان همسرشان را خود انتخاب کرده، ۱۲ درصد پاسخگویان را خانواده و همسر ۵۰/۷ درصد از پاسخگویان را خود شخص با مشورت خانواده انتخاب کرده‌اند (عوامل زمینه‌ای).

* و همچنین میزان رضایت زوجین (عوامل عاطفی) در بین ۶۰/۳ درصد پاسخگویان پایین (ناراضی)، ۳۸/۳ درصد متوسط (تاحدی راضی) و ۱/۳ درصد بالا (راضی) است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان رضایت زوجین در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۳۷ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح

نامطلوبی قرار دارد. * همچنین میزان تشریک‌مسابی در امور خانواده (عوامل فرهنگی و اجتماعی) در بین ۶۱ درصد پاسخگویان پایین، ۲۳/۷ درصد متوسط و ۱۵/۳ درصد بالا است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان تشریک‌مسابی در امور خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۴۹ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. * میزان همبستگی اعضای خانواده (عوامل عاطفی و اجتماعی) در بین ۵۸/۳ درصد پاسخگویان پایین و ۴۱/۷ درصد متوسط است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان همبستگی اعضای خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۴۷ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. * میزان اعتماد به اعضای خانواده (عوامل اجتماعی) در بین ۴۳ درصد پاسخگویان پایین، ۵۴/۷ درصد متوسط و ۲/۳ درصد بالا است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان اعتماد به اعضای خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۶۹ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد. * میزان به‌کارگیری مهارت‌های زندگی در خانواده (عوامل فرهنگی و اجتماعی) در بین ۶۳/۷ درصد پاسخگویان پایین و ۳۶/۳ درصد بالا است؛ که این رقم نشان می‌دهد میزان به‌کارگیری مهارت‌های زندگی در خانواده در بین پاسخگویان پایین و میانگین آن ۲/۴۱ بوده که از میانگین نظری (۳) پایین و در سطح نامطلوبی قرار دارد.

سؤال ۳- موانع تحکیم بنیان خانواده (موانع عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر کارشناسان حوزه خانواده شهر زنجان چگونه است؟ با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل و تفسیر نظرات کارشناسان حوزه خانواده زنجان و با توجه به آمار مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده زنجان، مشاهده شد تحکیم بنیان خانواده در سطح زنجان پایین می‌باشد.

سؤال ۴- موانع تحکیم بنیان خانواده (موانع عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده شهر زنجان چگونه است؟ با توجه به حجم نمونه مورد مطالعه، ۲۵/۳ درصد از پاسخگویان ضعف مهارت‌های زندگی را در خانواده به‌عنوان یکی از مشکلات خانواده امروزی دانسته‌اند که مسئولیت‌پذیری بالاترین مشکل این افراد می‌باشد، دومین مسئله‌ای که عنوان شده نارضایتی زناشویی با ۲۳/۳ درصد بوده که در این عامل، عدم آگاهی از مسائل جنسی بالاترین درصد (۲۲/۶ درصد) را به خود اختصاص داده است؛ عامل سوم از نظر پاسخگویان شرایط بد اقتصادی (۲۱/۵ درصد) است که در تضعیف بنیان خانواده اثرگذار است که از این عامل شاخص «سطح پایین درآمد و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی» بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است، نقش شبکه‌های مجازی را نیز در این بحث نباید نادیده گرفت، چراکه افراد با ورود به شبکه‌های مجازی از دنیای واقعی دور شده و به راحتی می‌تواند حریم‌ها را شکسته و یک زندگی پرتنش را بیافریند در این عامل خیانت زوجین به یکدیگر (۳۲/۷ درصد) پررنگ‌تر می‌باشد. در مرتبه بعدی عامل فردی (اختلالات رفتاری) نمود پیدا می‌کند که پاسخگویان به اعتیاد اعضای خانواده اشاره کرده‌اند و نهایتاً از بین عوامل اجتماعی می‌توان به الگوپذیری غلط و کورکورانه از دیگران را یکی از مسائل و مشکلات خانواده امروزی نام برد.

سؤال ۵- عوامل تحکیم بنیان خانواده (عوامل عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر کارشناسان حوزه خانواده در شهر زنجان کدام‌اند؟ بر اساس میانگین رتبه‌ها از بین عوامل تحکیم بنیان خانواده از نظر کارشناسان: عوامل عاطفی در اولویت اول، عوامل اعتقادی- دینی در اولویت دوم، عوامل

فرهنگی در اولویت سوم، عوامل اقتصادی در اولویت چهارم و عوامل اجتماعی در اولویت پنجم قرار دارد (بنابراین عوامل عاطفی، اولویت اول را در بین سایر عوامل به دست آورده است).

سؤال ۶- عوامل تحکیم بنیان خانواده (عوامل عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده شهر زنجان کدامند؟ از منظر مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده در شهر زنجان، عواملی که در تحکیم بنیان خانواده تأثیرگذارند به‌عنوان راهکار عبارت‌اند از:

جدول ۳. عوامل تحکیم بنیان خانواده از منظر مراجعه‌کنندگان

درصد	درصد	عوامل تحکیم بنیان خانواده به‌عنوان راهکار
۲۵/۲	۲۶/۲	آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان قبل از ازدواج
۴۹/۳	۲۴/۱	دادن مشاوره‌های عمیق پیرامون مسائل زناشویی قبل از ازدواج
۷۰/۸	۲۰/۵	ریشه‌کن کردن اعتیاد، جرم و بزه در کشور
۸۹/۶	۱۸/۸	اشتغال‌زایی و رفع مشکل بیکاری جوانان
۱۰۰	۱۰/۴	فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه‌های مجازی
	۱۰۰	جمع

بر اساس داده‌های جدول فوق، ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان را قبل از ازدواج به‌عنوان اولین عامل برای تقویت استحکام بنیان خانواده عنوان نموده و ۲۴/۱ درصد دادن مشاوره‌های عمیق پیرامون مسائل زناشویی قبل از ازدواج، ۲۰/۵ درصد ریشه‌کن کردن اعتیاد، جرم و بزه در کشور، ۱۸/۸ درصد اشتغال‌زایی و رفع مشکل بیکاری جوانان و ۱۰/۴ درصد فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه مجازی را عواملی مناسب برای تقویت بنیان خانواده می‌دانند.

سؤال ۷- موانع تحکیم بنیان خانواده (موانع عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر کارشناسان حوزه خانواده در شهر زنجان کدامند؟ از بین موانع تحکیم بنیان خانواده از نظر کارشناسان: موانع اعتقادی- دینی در اولویت اول، موانع عاطفی و موانع اجتماعی در اولویت دوم، موانع اقتصادی در اولویت سوم، موانع فرهنگی در اولویت چهارم قرار دارند (بنابراین موانع اعتقادی- دینی، اولویت اول را در بین سایر موانع به دست آورده است).

سؤال ۸- موانع تحکیم بنیان خانواده (موانع عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...) از منظر مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده شهر زنجان کدامند؟ با توجه به جدول زیر، توزیع حجم نمونه برحسب مسائل و مشکلات امروزی در خانواده‌ها (موانع تحکیم بنیان خانواده) از منظر مراجعه‌کنندگان عبارتند از:

جدول ۴. عوامل تحکیم بنیان خانواده از منظر مراجعه‌کنندگان

درصد	درصد	درصد	شاخص‌ها	موانع تحکیم بنیان خانواده (مسائل و مشکلات)
۲۵/۳	۲۰/۳	۲۰/۳	حل مسئله	ضعف در

	۳۷/۸	۱۷/۵	تعهد زوجین به یکدیگر و فرزندان	مهارت‌های زندگی
	۵۲/۴	۱۴/۶	تاب‌آوری	
	۷۳/۸	۲۱/۴	صبر، گذشت و فداکاری	
	۱۰۰	۲۶/۲	مسئولیت‌پذیری	
	۱۱/۱	۱۱/۱	مشغولیت در شبکه مجازی	
	۲۹/۵	۱۸/۴	اعتیاد اینترنتی	
۱۵/۸	۵۸/۸	۲۹/۳	دوستی‌های اجتماعی	شبکه‌های مجازی
	۹۱/۵	۳۲/۷	خیانت زوجین به یکدیگر	
	۱۰۰	۸/۵	ازدواج مجدد همسر	
	۱۰/۶	۱۰/۶	بیکاری	
	۱۶/۷	۶/۱	تورم	
	۵۷/۹	۴۱/۲	سطح پایین درآمد و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی	وضعیت اقتصادی
۲۱/۵	۸۰/۸	۲۲/۹	کاهش سطح رفاه خانواده	
	۹۴/۸	۱۴	ضعف در مدیریت مالی خانواده	
	۱۰۰	۵/۲	تجمل‌گرایی و چشم‌هم‌چشمی	
	۱۲/۴	۱۲/۴	روابط ضعیف و غیرصمیمانه با همسر	
	۲۲/۱	۹/۷	گذران فراغت انفرادی هریک از زوجین	
	۲۹/۴	۷/۳	عدم تفاهم زن و شوهر	
	۳۳/۵	¼	اختلاف در اعتقادات مذهبی و باورهای دینی	
۲۳/۳	۵۰/۵	۱۷	نارضایتی جنسی	نارضایتی از زندگی زناشویی
	۷۳/۱	۲۲/۶	عدم آگاهی از مسائل جنسی	
	۸۴/۵	۱۱/۴	کاهش نقش حمایتی مرد در خانواده	
	۹۲/۲	۷/۷	نادیده گرفتن جایگاه هریک از زوجین	
	۹۴/۵	۲/۳	ترک منزل توسط هریک از اعضای خانواده	
	۱۰۰	۵/۵	عدم مشارکت و همکاری در خانواده	
	۲۰/۳	۲۰/۳	عدم بلوغ فکری هر یک از زوجین	
	۴۱/۳	۲۱	شک و سوءظن، بی‌اعتمادی و بدبینی	اختلالات رفتاری
	۴۲/۵	۱/۲	بزهکاری فرزندان	
۱۱/۶	۶۹/۹	۲۷/۴	اعتیاد به مواد مخدر و الکلی	
	۸۵/۴	۱۵/۵	بی‌عفتی، بی‌غیرتی	(مشکلات فردی)
	۹۳/۷	۸/۳	عیب‌جویی و تحقیر	
	۱۰۰	۶/۳	عدم رعایت ارزش‌ها و هنجارها	
	۲۰/۷	۲۰/۷	طلاق در اطرافیان	
۲/۵	۶۱/۷	۴۱	الگوپذیری غلط و کورکورانه از دیگران	اجتماعی
	۱۰۰	۳۸/۳	اختلاف فرهنگی و طبقاتی	
۱۰۰		۶۰۰		جمع

بر اساس داده‌های جدول فوق، ۲۵/۳ درصد از پاسخگویان ضعف مهارت‌های زندگی را در خانواده به‌عنوان یکی از مشکلات خانواده امروزی دانسته‌اند که مسئولیت‌پذیری بالاترین مشکل این افراد می‌باشد، دومین مسئله‌ای که عنوان شده نارضایتی زناشویی با ۲۳/۳ درصد بوده که در این عامل، عدم آگاهی از مسائل جنسی بالاترین درصد (۲۲/۶ درصد) را به خود اختصاص داده است؛ عامل سوم از نظر پاسخگویان شرایط بد اقتصادی (۲۱/۵ درصد) است که در تضعیف بنیان خانواده اثرگذار است که از این عامل شاخص «سطح پایین درآمد و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی» بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است، نقش شبکه‌های مجازی را نیز در این بحث نباید نادیده گرفت، چراکه افراد با ورود به شبکه‌های مجازی از دنیای واقعی دور شده و به راحتی می‌تواند حریم‌ها را شکسته و یک زندگی پرتنش را بیافریند در این عامل خیانت زوجین به یکدیگر (۲۲/۷ درصد) پررنگ‌تر می‌باشد. در مرتبه بعدی عامل فردی (اختلالات رفتاری) نمود پیدا می‌کند که پاسخگویان به اعتیاد اعضای خانواده اشاره کرده‌اند و نهایتاً از بین عوامل اجتماعی می‌توان به الگوپذیری غلط و کورکورانه از دیگران را یکی از مسائل و مشکلات خانواده امروزی نام برد.

بحث و نتیجه‌گیری

بدین ترتیب با استناد به یافته‌های آماری و تئوریک پژوهش حاضر می‌توان گفت طبق رویکرد کارکردگرایی و نظریه‌های تبیین‌کننده متغیر وابسته: (تحکیم بنیان خانواده) و متغیرهای مستقل اصلی در تحقیق (متغیرهای زمینه‌ای: تئوری‌های پیتررسی و همکاران / متغیر رضایت زوجین: تئوری‌های آبراهام مازلو، تالکوت پارسونز / متغیر تشریک‌مسانی در امور خانواده: تئوری آلن بیرو / متغیر همبستگی بین اعضای خانواده: تئوری امیل دورکیم / متغیر اعتماد به خانواده: تئوری رابرت پوتنام؛ متغیر به‌کارگیری مهارت‌های زندگی در خانواده: تئوری فلیپ مک‌گراو) ملاحظه می‌گردد که: ۱- با توجه به مکتب کارکردگرایی، کارکردگرایان جامعه را نظامی دارای نظم و ترتیب می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانیسم زنده است. از این منظر جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزای بی‌شماری است که هر یک باید کارکردهایی خاص را برای بقای کلی سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد و نظم اجتماعی پدیده‌ای است که کارکردهای اعضای مختلف این سیستم را به صورتی مرتب و در سلسله مراتبی خاص به هم پیوند می‌دهد. کارکردگرایان بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام خانواده، نظام اقتصادی، نظام سیاسی، مذهب و سازمان‌های آموزشی و پرورشی‌اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آن‌ها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همه این نهادها (اجزای سیستم) دارای ارتباط متقابل‌اند و هر یک از آن‌ها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختمان مناسب داشته و به‌گونه‌ای عمل کند که با اجزای دیگر سازگار باشد. ناسازگاری اجزای سیستم اجتماعی، موجب تجزیه آن و تضاد بین اجزاء، باعث نابودی آن خواهد شد. ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم، سازواری (هم‌آهنگی و وفاق) در ارزش‌های مشترک است؛ بنابراین در رویکرد کارکردگرایی، هنگامی که در کارکردهای خانواده اختلال ایجاد شود، نظام خانواده دچار کژکارکردی می‌شود. این وضعیت به خانواده‌هایی اطلاق می‌شود که در ایجاد و تثبیت ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و رفتارهای اجتماعی در محیط خانوادگی شکست خورده‌اند، خانواده کژکارکرد حالتی از بی‌سامانی را در قالب خانواده‌های به‌هم‌ریخته و آشفته نشان

می‌دهد که در آن بی‌توجهی به یکدیگر، برخورد و درگیری، رفتار ناشایست و خشونت و بدرفتاری رواج دارد (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰).

از آنجا که تحت تأثیر شرایط اجتماعی جامعه، خانواده سنتی ایرانی برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا اینکه کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آن‌ها با چالش مواجه شده و تحکیم بنیان خانواده کاهش یافته است. به‌طور کلی از نظر کارکردگرایان ویژگی‌های جوامع سنتی، تقسیم نقش‌ها بر اساس عواملی مثل سن، جنس، اصل و نسب و در کل خصوصیات انتسابی است در حالی که در جوامع جدید، توزیع نقش‌ها بر مبنای خصوصیات لازم برای آن نقش‌ها مثل آموزش مهارت، تجربه و تخصص و... با خصوصیات اکتسابی است. به زعم "پارسونز" تقسیم نقش بر اساس جنس، متضمن سازوکاری است که همبستگی خانواده را پایدار می‌کند؛ زیرا اختلاف نقش میان جنسیت‌ها به تکالیف بین والدین می‌انجامد و در نتیجه از ایجاد وضعیت رقابت بین آن‌ها جلوگیری می‌کند (مثلاً چنانچه زن در زندگی اجتماعی از موقعیت شغلی همسان با شوهرش برخوردار باشد این امر به رقابت بین آن‌ها کشیده می‌شود و نابسامانی‌های خانوادگی را ایجاد می‌کند) و به نظر "پارسونز" در فرایند توسعه صنعتی خانواده تمام عملکردهای تولیدی سیاسی و دینی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است و عملکردهای اقتصادی و آموزش بین خانواده و دیگر نهادها تقسیم شده است (ساروخانی، ۱۳۸۱). فقدان این کارکردها در خانواده می‌تواند از عوامل مؤثر در کاهش تحکیم بنیان خانواده باشد، به این معنا که وجود این کارکردها می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای زوجین در حفظ و بقای خانواده و الگوهای فرهنگی مناسب آن فراهم سازد. بر اساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی "پارسونز" عوامل تأثیرگذار در کاهش و عدم تحکیم بنیان خانواده را در فقدان هر یک از چهار کارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد:

الف. وقتی که کارکرد سازگاری خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجهه شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. چنانچه وقتی خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند و یا اینکه در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش‌دار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن)، نظام خانواده سست شده و آمادگی برای طلاق افزایش می‌یابد. فرسودگی شغلی زوجین در این دسته قرار می‌گیرد، زیرا سختی معیشت می‌تواند افراد خانواده را مجبور به فعالیت بیشتر بیرون از خانه کند و این امر و خستگی‌های ناشی از آن می‌تواند تحکیم بنیان خانواده را با چالش مواجه کند.

ب- زمانی که کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجهه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند توانایی‌ها و نیروهایش را در رسیدن به اهداف تعیین شده برای آن بسیج کند. مواردی مانند نبود سلامت جسمی- روانی زوجین می‌تواند خانواده را از رسیدن به اهداف موردنظر دور کند.

ج. وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود؛ این مسئله هنگامی ظاهر می‌شود که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند، نمونه آن را می‌توان در موردی جست‌وجو نمود که نقش‌های جنسیتی در خانواده و نظام هنجاری تقسیم نقش‌ها مختل می‌شود. در این صورت بایستی منتظر اختلاف در خانواده و افزایش فروپاشی خانواده و سپس طلاق واقعی بود. سرمایه اجتماعی خانواده و نظم اجتماعی آن در این کارکرد قرار می‌گیرد.

د- هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده بازمی‌ماند؛ در این صورت زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و لذا با به وجود آمدن کمترین اختلافی آماده برای گسستن این پیوند می‌گردند.

پیشنهادات

ازدواج و پیوند زناشویی پاسخی به نیازهای فطری انسان است و اهداف مهم و ارزشمندی در این پیوند نهفته است اما با تغییر نگرش جوامع، متأسفانه برخی از اهداف دستخوش تغییرات زیادی شده است و این امر تا حدودی تحکیم بنیان خانواده‌ها را تحت شعاع خود قرار داد است. خانواده امروز ایرانی با خانواده متعادل که باید سنگ بنای یک جامعه سالم باشد، فاصله زیادی دارد. این خانواده، از یک سو هنوز گرفتار بعضی سنت‌های غلط گذشته مانند بی‌عدالتی و ظلم به زنان بوده و از سوی دیگر آموزه‌های مدرن مانند انکار تفاوت‌های جنسیتی، اختلاط نقش‌ها، فردگرایی و اصالت لذت‌های دنیایی، سلامت، ثبات و حتی کیان خانواده را به خطر انداخته و آسیب‌های جدی برای جامعه به وجود آورده است. عوامل و موانع متعددی از جمله عوامل و موانع عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...، در تحکیم بنیان خانواده، سرزندگی یا فروپاشی آن مؤثرند که باید بین خانواده و توسعه، تعامل برقرار کرد و ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی حاکم بر خانواده‌ها را حفظ و تقویت نمود چراکه نحوه تشکیل و بقای خانواده، نقش مهمی در سعادتمندی افراد و پیشرفت جوامع و ملت‌ها دارد و باید در تحکیم بنیان‌های خانوادگی بسیار کوشید. بدین ترتیب تحکیم بنیان خانواده درگرو راهکارهایی است که ارتباط بین اعضای خانواده را محکم و ناگسستنی و از لغزش و لرزش آن جلوگیری می‌کند. در وهله اول ازدواج و درست بودن مقدمات ازدواج، حُسن معاشرت در خانواده که در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود، توجه به جایگاه خانواده از سوی اعضا که اولین گام در تنظیم روابط است، حفظ حرمت و شخصیت افراد، درگرو احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد، دارای اهمیت زیادی است. رعایت این مسئله خصوصاً از سوی کسانی که باهم انس و الفت دارند باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. صبر و بردباری در زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، رازداری و وفاداری، مشی آرام و بی‌تکبر، ترس از کیفر الهی، دوری از اسراف و رعایت قناعت و...، از عوامل دیگر تحکیم بنیان خانواده هستند. در این پژوهش نیز عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده از منظر کارشناسان و مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده زنجان، به ترتیب به روش‌های دلفی و پیمایشی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد که با توجه به اهداف، فرضیات، سؤالات، نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر و یافته‌های تحقیقات پیشین در زمینه تحکیم بنیان خانواده، برای حفظ نهاد خانواده، از طریق تقویت روابط اعضای خانواده و ترویج ارزش‌های خانوادگی و استمرار مطلوب کارکردهای مهم خانواده، به برخی از پیشنهادات پژوهشی و کاربردی زیر اشاره می‌شود: ۱- اهمیت و توجه به خانواده به عنوان یک سرمایه، ۲- تأکید بر استمرار و حفظ خانواده طبیعی، ۳- تحکیم ساختار خانواده، ۴- رعایت مرزهای رفتاری و عاطفی درون خانواده و بیرون آن، ۵- تحکیم باورهای دینی در خانواده، ۶- استمرار و تحکیم روابط خویشاوندی و حمایت آن‌ها، ۷- کنترل استفاده از رسانه‌ها در خانواده، ۸- اهمیت به نقش زن در خانواده، ۹- توجه و حفظ روابط انسانی و کرامت و شخصیت هر فرد، ۱۰- حمایت‌های اجتماعی، ۱۱- رضایت زوجین از یکدیگر در زندگی مشترک، ۱۲- تعاون و همکاری در خانواده،

۱۳- ریشه‌کن کردن اعتیاد، جرم و بزه در کشور، ۱۴- رفع مشکل بیکاری جوانان و اشتغال‌زایی پایدار، ۱۵- آموزش‌های اجباری مهارت‌های زندگی و اجتماعی به جوانان در قبل و بعد از ازدواج، ۱۶- آموزش شیوه همسرمداری و مسائل زناشویی برای زوجین و نحوه برخورد آن‌ها با یکدیگر در بروز بحران‌ها و مشکلات عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در کلاس‌های آموزشی مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های عمومی و اجتماعی، ۱۷- دادن مشاوره‌های عمیق متعدد به خانواده‌ها پیرامون مسائل عاطفی، اعتقادی- دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در قبل و بعد از ازدواج، ۱۸- ارائه مشاوره‌های عمیق و رایگان پیرامون مسائل زناشویی، حقوقی، تربیتی، روان‌شناسی و برطرف نمودن مشکلات عاطفی و خانوادگی و اجتماعی آن‌ها، ۱۹- آموزش‌های دینی، اعتقادی و فرهنگی به خانواده‌ها، ۲۰- به وجود آوردن نهادی جهت صیانت و حمایت از خانواده‌ها، ۲۱- مدیریت فضای مجازی و فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه‌های مجازی در کانون خانواده‌ها، ۲۲- برگزاری کارگاه‌های آسیب‌شناسی شبکه اجتماعی برای اعضای خانواده‌ها، ۲۳- ارائه کاتالوگ و بروشورهای رایگان آموزشی به اعضای خانواده‌ها، ۲۴- زنده کردن شعائر اسلامی و ایرانی از طریق آموزش‌های بلندمدت به خانواده‌ها، ۲۵- اطلاع‌رسانی برنامه‌های فرهنگی اجتماعی از طریق رسانه‌های عمومی جهت اطلاع خانواده‌ها، ۲۶- ساخت سریال‌های تلویزیونی از زندگی افراد موفق و سرشناس در حوزه خانواده و آموزش زندگی سالم از طریق رسانه‌ها در جهت تحکیم بنیان خانواده‌ها، ۲۷- اصلاحات اقتصادی و مبارزه با تورم و گرانی، ۲۸- تبادل تجربه با سایر کشورها به منظور یافتن سازوکارهایی برای تقویت بنیان خانواده و پیشرفت زنان، ۲۹- تشکیل بانک اطلاعاتی در حوزه خانواده، ۳۰- طراحی دوره‌های آموزشی بومی- شده برای کارمندان سازمان‌های دولتی، قضایی، نیروهای پلیس و غیره در زمینه خانواده سالم و مستحکم، ۳۱- آموزش آموزش‌گر برای تدریس در زمینه "خانواده سالم و روش‌های تحکیم بنیان خانواده"، ۳۲- وارد کردن مباحث "تحکیم بنیان خانواده" به محتوای آموزشی کلاس‌های پیش و پس از ازدواج، ۳۳- برگزاری تور مطالعاتی به کشورهای دارای برنامه موفق در زمینه خانواده و تحکیم بنیان خانواده.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۸۹-۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خانواده*. با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. چاپ ۶.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). *درآمدی بر مطالعات خانواده*. ترجمه: حسین قاضیان. تهران: نشرنی.
- بیوک محمدی، زرنگی. (۱۳۷۵). *مردم‌نگاری معناشناختی از یک واژه کلیدی جامعه سالم*. ۲۹
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات پیام‌نور.
- توسلی، غلامعباس. (۸۷-۸۰-۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ هشتم.

- تنهایی. حسین ابوالحسن. (۱۳۸۳). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. نشر مردنیز. بامشاد. مشهد.
- تنهایی. حسین ابوالحسن و شکر بیگی. عالییه. (۱۳۸۷). جهانی شدن. تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی). *فصلنامه جامعه‌شناسی*. (۱۰): ۳۳-۵۶.
- حاتمی. علی. (۱۳۹۳). *خانواده در آثار جامعه‌شناسان شرق و غرب*. بررسی و نقد کتاب خانواده در قرن بیست-ویکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی (لبیبی. محمدمهدی. تهران. نشر علم. ۹۰۴ صفحه. فصلنامه نقد کتاب. علوم اجتماعی. ۱(۳ و ۴).
- حاجیان مقدم. فاطمه. (۱۳۹۳). *فرا تحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی*. پژوهش‌نامه زنان. ۵(۱): ۱-۳۹.
- حاجیان مقدم. فاطمه و همکاران. (۱۳۹۵-۹۶). *طراحی الگوی خانواده مستحکم*. موضوع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق هجری شمسی. *زن و خانواده*. ۸۷۹-۹۰۲.
- خدادادی سنگده و همکاران. (۱۳۹۴-۹۶). *شاخص‌های سلامت خانواده و ارائه مدل مفهومی خانواده سالم اسلامی ایرانی*. *روان‌شناسی و دین*. ۱۰(۳): ۲۵-۴۰.
- خطیبی. اعظم. (۱۳۹۷). *سنجش میزان اثرگذاری مؤلفه‌های سازگاری بر تحکیم خانواده*. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*. ۱۲(۴۲): ۷-۳۱.
- خنیفر. حسین. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی خانواده*. تهران. انتشارات دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- دورکیم. امیل. (۱۳۸۱). *درباره تقسیم‌کار اجتماعی*. ترجمه: باقر پرهام. تهران. انتشارات مرکز. دهخدا. علی اکبر. (۱۳۷۷-۸۰). *لغت‌نامه*. تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ ۲ و ۱۸.
- رایترسون. یان. (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. حسین بهروان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. روزن‌باوم. هایدی. (۱۳۶۷). *خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه*. تهران. ترجمه: محمدصادق مهدوی. مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول.
- ریتزر. جورج. (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران. انتشارات علمی. زارعان. منصوره و چاپکی. ام‌البنین. (۱۳۹۳). *سلامت خانواده از نگاه جامعه‌شناسی*. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۵(۲۰): ۱۴۱-۱۶۳.
- ساروخانی. باقر. (۱۳۷۶-۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران. انتشارات سروش.
- ساروخانی. باقر. (۱۳۸۱). *زن. قدرت و خانواده*. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*. (۱۲): ۲۹-۵۰.
- سالنامه آماری استان زنجان در سال ۱۳۹۵. زنجان. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان. معاونت آمار و اطلاعات.
- سگالن. مارتین. (۸۸ و ۷۵-۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه: حمید الیاسی. تهران. نشر مرکز.
- شیخی. محمدتقی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران. شرکت سهامی انتشار.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۴). *اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن*. جلسه شماره ۵۶۴ مورخ ۱۳۸۴/۴/۷ به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- صادقی. مسعود و همکاران. (۱۳۹۳-۹۴). *تدوین مدل خانواده سالم بر اساس دیدگاه متخصصان خانواده*. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۵(۱): ۱۶.
- عبدی. عباس. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران*. تهران. نشر نی. چاپ اول.

- عنایت. حلیمه و همکاران. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اختلافات خانوادگی. *جامعه‌شناسی زنان*. ۲(۱): ۱-۲۰
- فرداد. محمدحسین. (۱۳۷۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده و طلاق*. تهران. نشر منصوری.
- فصیحی. امان‌الله. (۱۳۸۹). بررسی کارآمدی نظریه کارکردگرایی. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. ۲(۲): ۱۳۱-۱۰۹.
- فلاحی‌گیلان و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی بین‌نسلی نگرش به طلاق در زنجان. *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*. ۲(۲): ۱۳۹-۱۵۶.
- قاراخانی. معصومه. (۱۳۹۴). شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده. مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی. *مطالعات جامعه‌شناختی*. ۲۲(۲): ۱۲۵-۱۴۹.
- کاتوزیان. ناصر. (۱۳۷۱). *حقوق مدنی خانواده*. بی‌جا. انتشارات بهمن برنا.
- کرایب. یان. (۱۳۸۱). *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*. ترجمه: عباس مخبر. تهران. نشر آگه. چاپ دوم.
- کوزر. لوئیس و روزنبرگ. برنارد. (۱۳۷۸-۸۵). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی*. ترجمه: فرهنگ ارشاد. تهران. نشر نی.
- کوزر. لوئیس. (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
- گروه پژوهشی آینده. (۱۳۸۰). *مسائل اجتماعی ایران از دیدگاه مردم تهران*. انتشار محدود. وزارت کشور. تهران. ۸۳-۸۰.
- گود. ویلیام. جی. (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*. ترجمه: ویدا ناصحی بهنام. تهران. بنگاه ترجمه: و نشر کتاب.
- گیدنز. آنتونی. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری. تهران. نشر نی.
- گیدنز. آنتونی. (۱۳۸۴). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران. نشر مرکز.
- لبیبی. محمدمهدی. (۱۳۹۳). *خانواده در قرن بیست‌ویکم: از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی*. تهران. نشر علم. چاپ اول.
- محسنی‌تبریزی. علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم، مبنای روان‌شناسی اجتماعی - جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کثرت‌فشاری اجتماعی*. تهران. انتشارات آن.
- محمدی. معصومه. (۱۳۸۷). *جنگ علیه خانواده ویلیام گاردنر*. برگردان و تلخیص. قم. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- محمدی. سیدبیوک. (۱۳۹۳). *الگوی سنتی ساختار قدرت در برخی خانواده‌های ایرانی*. *فصلنامه پژوهش‌نامه زنان*. ۲(۲): ۱۱۱-۱۳۷.
- معتدی. هادی. (۱۳۸۳). *دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور*.
- مک‌کارنی. جین ریبنزوروزالیندادواردز. (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*. ترجمه: محمدمهدی لیبی. تهران. انتشارات علم.
- مک‌گراو. فیلیپ. (۱۳۸۸). *خانواده موفق*. ترجمه: محمدمهدی شریعت باقری. تهران. انتشارات دانژه.
- میشل. آندر. (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*. جمشید بهنام. تهران. دانشکده علوم اجتماعی و تعاون. و ترجمه: فرنگیس اردلان. دانشگاه تهران.
- مینوچین. س. (۱۳۷۵). *خانواده و خانواده درمانی*. تهران. انتشارات امیرکبیر.

نظری. حامد و همکاران. (۱۳۹۸). فراتحلیل کیفی پژوهش‌های ناظر بر زمینه‌ها و عوامل تغییرات خانواده ایرانی. *زن و مطالعات خانواده*. ۱۲ (۴۵): ۱۰۳-۱۳۴

نوری. اعظم. (۹۱ و ۱۳۸۹). عوامل تحکیم و استحکام خانواده. طهورا. *فصلنامه مطالعات زنان و خانواده*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۷۸-۱۴۵.

References

- Epstein, N. B. & D.s. Bishop. (1981). Problem- centred systems therapy of the family”, in Gurman and Kniskern (eds).
- Fukuyam, F. (1999). *The Great Disruption: Human nature and the Reconstitution of Social Order*, New York: Free Press.
- Gairdner, W. (1992). *the War against the Family*. by Paul Crouser. Reviewed. By D. Stoddart Publishing Company Ltd.
- Goode, William J. (1989). *The family*, Prentice-Hall of India.
- Gottman, J. M. (1993). The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61 (1), 6–15.
- Gottman, J. M. (1994). *What predicts divorce: The relationship between marital processes and marital outcomes?* Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Hetherington, E. M, Cox, M. & Cox, R. (1997). *The Development of Children in Mother Headed Families*. In H. Hoffman & D. Reiss (Eds). *The American Family: Dying and Developing* New York: Plenum.
- Jensen, A. M. (1994). *The Feminization of Childhood*”, in J. Keller & et al (1994). *Sociology*, McGraw-Hill, New York.
- Ritzer ,George. (1988). *Sociological Theory*, singapor
- Parson T. B. (1995). *Socialization&intraction process*, the free press.
- Turner, Jonathan H. (1988). *The Structure of Sociological Theory*. Wads Worth Publishing Co. New York.
- Wallace, Ruth A. & Wolf, A. (1991). *Contemporary Sociology Theory*. Prentice-Hall, New York.
- Winter, I. (ed) (2000). *Social Capital and Public Policy in Australia*, Melbourne: Australian Institute of Family Studies.

Sociological analysis and interpretation of factors and barriers to strengthening (consolidation) the foundation of the family (From the perspective of experts and clients refer to the family court of zanzan)

Roghayeh. Abbasi¹, *Robabeh. Pourjabali*^{*2} & Khadijeh. Zolghadr³

Abstract

Aim: The purpose of the current research was to analyze and sociologically interpret the factors and obstacles of strengthening the family foundation from the perspective of experts and those referring to the family court of Zanjan city.

Methods: The current research was a survey that was conducted through a questionnaire with the Delphi technique and in-depth interviews with semi-structured sampling, and a survey method with simple random probability sampling, as well as by collecting library and field information. **Results:** The results indicate that: According to experts, emotional factors, belief factors, cultural factors, economic factors, social factors, as well as belief barriers, emotional barriers, social barriers, economic barriers and cultural barriers in strengthening the foundation, respectively. **Conclusion:** Families are effective. There is also a direct and significant relationship between gender, how to choose a spouse, couple satisfaction, joint efforts in family affairs, solidarity of family members, the level of trust between family members and the level of family life skills and strengthening the family foundation.

Keywords: *strengthening family foundation, couple satisfaction, joint efforts in family affairs, family trust, solidarity of family members, life skills.*

1. PhD student in sociology, Islamic Azad University, Department of Science and Research, Tehran, Iran

2. ***Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Zanjan, Iran
Email: Pourjabali@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Department of Science and Research, Tehran, Iran